

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

زن و نبوت



تتبع و نگارش: داکتر امین الدین « سعیدی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی
۲۲ اگست ۲۰۱۱

نظری بر رساله :

زن و نبوت

مقدمه اول : از پروفیسور عبد الله بختانی

ارجمند امین الدین « سعیدی » چنان کارها و ابتکارهایی نموده ، در زمینه هائی به پژوهش می نیشند که کمتر کسان به آن توجه داشته اند . یک نمونه آن موضوع «زن و نبوت» است .

آیا زن نبی شده می تواند ؟

بلی ! اگر خواست الله تعالی بوده باشد . خواست خداوندی، در این مورد، در پهنا های تاریخ دیانت صورت گرفته خواهد بود ؟

باید به ارشادات الهی در کتب مقدسه رجوع کرد .

سعیدی، پژوهشگر متجسس و متحسس، تا حد توان کوشیده و جوابهای بلی ! ونی ! متعددی را جست و جو و دریافت کرده است .

تک و پو، کاوش و جست و جویش سزاوار تحسین است .

بند الله خدمتگار شما، در قبال این مساعی، به ذهن وخیر خویش مراجعه کرده و دریافتیم :
زن از نظر دین به اجرای احکام و مناسک و مراسم دینی مکلف بوده، به انجام آن سزاوار ثواب و به ترک آن مستحق عذاب است .

زن در جامعه بشری، برای اجرای فرایض و واجبات دینی و حیاتی در پهلوی قوای جسمانی، از قوه عقل، شعور و اراده نیز بر خوردراست. لذا با اجرای فرایض دروازه های جنت و با ارتکاب نواهی دروازه های دوزخ برویش کشوده می شود .

او می تواند که اعلاى علین مقام خیر، و شرافت انسانی قرار گیرد و می شود که به اسفل السافلین شر و رذیلت بلغزد .

ازسوی دیگر در جهان پیرامون ما، به حکم شریعت، هر چه، هر چیز و هر کار و هر مشغولیت انسان زیر چتر اباحت قرار دارد . الا آنچه مهر صریح نهی بر آن خورده باشد.

آنچه نویسنده رساله «زن و نبوت» از نصوص قطعیه، به گونه مستدل و مستند ، از سوی ذوات محترمی ارائه کرده که به اساس آن دلایل، زن را از اجرای وظیفه، سنگین نبوت معاف و یا ویرا از حصول این ثواب محروم دانسته اند یکی هم این آیت مبارکه قرآن عظیم الشان است ، که می فرماید :

« وما ارسلنا من قبلك الا رجالا نوحى اليهم ... » یعنی : و ما نفرستادیم پیش از تو مگر مردانی را که بر آنها وحی می فرستادیم .

در این مورد، عرض من این خواهد بود که به عبارت « ارسلنا » باید از روی فهم لغوی آن با دقت متوجه گردید که لفظ و معنای به « رسالت » ارتباط دارد ، تا به « نبوت » .

و در باب آیت مبارکه سورة النحل « و اوحى ربك الى النحل ... » که در آن معنای وحی تعمیم یافته و در افاده از معنای مربوط به رسالت و نبوت به کار نرفته، درست است، اما من ندانستم که معنای لغوی وحی در اینجا را به معنای لغوی وحی در آیات متبرکاتی که مربوط به « وحی » بر شماری از زنان بوده، به کدام قرینه ای قیاس زن «انسان» با جاندار دیگر (نحل – زنبور عسل) متبادر تر به ذهن بوده و یا با مرد (انسان) که هر دو مقیاس و مقیاس علیه از یک نوع یا جنس (انسان) بوده اند؟ و فرایض و واجبات و حقوق و حیثیت شان یکسان بوده است؟ پس، نبوت زن، مانند رسالت و نبوت مرد تنها به اراده و مشیت لطف خداوندی وابسته بوده، غیر ممکن و متعذر دیده نمی شود .

و به همین سبب تتبع و زحمتکشی از جمند گرامی «سعیدی» ، در یچه ای برای پژوهش گسترده تر پیش روی خود او وسایر پژوهشگران گشوده و با ارائه این رساله ، آغاز گر شایان تحسین و آفرین است .

در اینجا ، باید ملتفت بود که در این گونه پژوهشها، اثبات و عدم اثبات مقام نبوت به زنانی ارتباط گرفته می تواند که پیش از بعثت پیغمبر (رسول و نبی) حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم زیسته اند. مانند ساره مادر اسحق علیه السلام، مریم مادر عیسی علیه السلام، آسیه خانم فرعون، مادر موسی علیه السلام و زنانی که در تورات شریف به حیث انبیاء ذکر شده و در رساله (زن و نبوت) در باره آنها توضیحات ارائه گردیده است.

و نیز باید به عرض برسانم که عقیده اسلامی بعثت پیغمبران را ، اعم از مردان و زنان ، پس از حضرت پیغمبر اخرالزمان خاتم الرسل والانبیاء حضرت محمد صلی الله علیه اسلام نمی پذیرد و به همین اساس از روزگار آنحضرت (ص) تا امروز پیغمبری (مرد وزن) در همه جهان مبعوث نگردیده و نمیگردد. لذا پژوهش در این زمینه

تنها جنبه تحقیق علمی - تاریخی دارد که به تشریح و تفسیر بیشتر آیات متبرکات قرآنی و احادیث نبوی ، مربوط به موضوع یاری می رساند و بس .

والسلام علی من اتبع الهدی

خدمتگار شما

سر محقق عبد الله بختانی

هورت - کولن - جرمنی

۲۲ اکتوبر

۲۰۰۷

مقدمه دوم: از حبیب الله رفیع

دلوی خبثتن په نامه

دبځی نبوت د اسلام په تاریخ کی له پخوا څخه د بحث وړ یوه توده موضوع ده چی وخت په وخت دینی علماء او څیرونکو بحثونه پری کړی، منقول او معقول دلائل ئی په دی باب وړاندی کړی او د ځینی بنځو کړه وړه ئی چی په قرآن کریم کی یادی شوی او د « وحی » وړگرځیدلی ، څیړلی دی .

داچی د رسالت موضوع د لوی خدای په کلام کی یوازی دسربو له پاره ځانگړی شوی او د نبوت په برخه کی داسی کوم صراحت نشته، په خپله د دی لاره پرانیزی چی د بنځو د نبوت په برخه کی څیړنی وشی او هغه مؤمنی، مخلصی او دلوی خدای فرمان ورونی میرمنی چی لوی خدائی په قرآن کریم کی په ډیر در نښت نومونه اخستی او دوی ته ئی بالواسطه او یا بلا واسطه خپل اوامر رسولی او دوی دخطر ونو په منلو سره منلی، په خپله رابنی چی دوی پر خدائی امر دقیقین په داسی حالت کی دی چی هیڅ وسوسی له خپلی دندی نه شوی اړولی، دموسی علیه السلام مور د خدای په امر دسیند څپو ته خپل زوی وسپاره او د خدای پر دی وعده ئی بشپړ یقین و چی بیرته به ماته سپارل کیږی ، یا بی بی مریمی دلوی خدای په امر دبی پلاره زوی درلودلوته غاړه کیښوده او دخلکو له تهمتو ونه ویریده ، داسی بشپړ یقین د خدای دپیغمبرانو او انبیانو خصلت و چی د خدای دامر پر ځای کولو سره له هیڅ خطر ه نه ویریدل .

دبناغلی امین الدین « سعیدی » دا کوچنی رساله لوی او مهمی موضوع ته ځانگړی شوی او په دی برخه کی ئی په سره سینه موافقی او مخالفی نظرئی را غونډی کړی او بیائی څیړلی او څیړلی دی او تر بشپړ تحقیق او تدقیق وروسته ئی پایلی او نتیجی ته رسیدلی دی .

په اوس وخت کی چی د اسلام مخالفین هڅه کوی په اسلام کی دبځی دریځ کمزوری وښئی او ثابتته کړی چی په اسلام کی بنځه له نارینه سره مساوی حقوق نلری ، په اسلام کی دبځی دتولنیز دریځ په باب دداسی لیکنو کول ډیر گتوار هم دی .

زه د « سعیدی » صاحب دا څیړنه یوه نوی او منقولو او معقولو دلائلو ولاړه څیړنه بوالم او ورسره د وخت یوه مهمه غوښتنه .

دژوند په چارو کی ئی تل بریالی غوارم !

په درنښت

حبیب الله رفیع جرمنی - کولن

بسم الله الرحمن الرحيم

زن و نبوت

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد المرسلين محمد صلى الله عليه وسلم وعلى آله وصحبه ومن اهتدى بهديه الى يوم الدين اما بعد .

آیا خلافت خدا در روی زمین مخصوص مردها است؟ خداوند پاك در قرآن عظیم الشان می فرماید:

« إني جاعل في الارض خليفة » من در روی زمین جانشین و خلیفه قرار می دهم .

خلیفه به معنی جانشین است ، خواست پروردگار با عظمت ما چنین بود که در روی زمین موجودی را خلق نماید که نماینده خدا در روی زمین باشد، مقام و شخصیت وی بهتر و برتر از فرشتگان باشد، خواست خداوند پاك این بود که تمامی زمین و نعمت هایش را همه نیروها، همه گنجها، معادن و در نهایت امر همه ما فیهای آن را در اختیار چنین انسانی بگذارد، چنین موجودی باید عقل شعور و ادراک و استعداد خاصی داشته باشد که بتواند زعامت و رهبری دیگران را بر عهده گیرد .

در اینجا پرسشی مطرح می گردد که آیا خلافت الهی مخصوص مردها است، و مرد بودن شرط و زن بودن مانع آن است ؟ و یا اینکه نه خلافت مشروط به مذکر بودن است و نه ممنوع بودن به انوئت ، آنهایی هم که موفق شده اند خلیفه الله بشوند ، انسانیت آنها زمینه خلافت را مساعد ساخته ، نه مرد بودن آنها، مرد خلیفه نشده، بلکه آن کسی که خلیفه خدا در روی زمین شده است، جسمی دارد و این جسم، بدن مرد است .

از استدلال فوق می توان چنین استنتاج به عمل آورد، که مسأله شخص معین مطرح بحث نیست که کی باید خلیفه الله روی زمین باشد بلکه هدف از خلیفه الله روی زمین مقام انسانیت است نه مرد بودن، که تنها مرد ها می توانند خلیفه روی زمین شود. خلیفه الله جان انسان است و نه تن ، مسجود ملائکه نیز جان انسان بود و نه مجموع جسم و جان .

بناءً مسجود ملائکه و معلم فرشتگان، عالم اسماء مقام انسانیت است، و مقام انسانیت منزله از ذکور بودن و انوئیت است. پس عالیترین مقام که مقام خلافت است، از آن انسانیت است و اختصاص به مرد و زن ندارد. در مورد مقام و منزلت انسانی زن، همه علمای اسلام متفق الرأی اند و حتی برخی از علماء بر این امر معتقد اند که حتی زن می تواند نبی هم باشد .

خواهران و برادران محترم !

در این رساله می خواهم به موضوع «نبی بودن زن» و این که آیا زنان نیز به مقام نبوت رسیده اند ، معلومات مختصر خدمت خواننده محترم تقدیم بدارم .

بناءً بهتر می دانم که بحث خویش را به توضیح مختصر دو اصطلاح «رسول و نبی» آغاز نمایم :

فرق بین رسول و نبی :

از تحقیقات و تفاسیر علمای مشهور اسلام که در باره رسول و نبی به عمل آورده اند طوری معلوم می گردد که مقام رسول نسبت به مقام نبی عزیز تر است ، چرا که نبی تنها فرشته را در خواب می بیند و احکام را از او می گیرد ولی مأمور به ابلاغ نیست. ولی رسول علاوه بر این که فرشته را مستقیماً می بیند مأمور به ابلاغ تکالیف به مردم نیز می باشد .

در جلد (۱۳ صفحه ۹۲ تفسیر نمونه) تعریف رسول و نبی چنین بیان گردیده است :

رسول :

کسی است که صاحب دین و مأمور به ابلاغ باشد؛ یعنی وحی الهی را در یافت کند و به مردم ابلاغ نماید . (یعنی که به او وحی شود و مأمور به تبلیغ گردد. نویسنده)

نبی :

کسی است که وحی را دریافت می کند ولی موظف به ابلاغ نیست بلکه تنها برای انجام وظیفه خود اوست و یا اگر از او سؤال کنند به جواب آن می پردازد .

(نبی آنست که طرف وحی قرار می گیرد، ولی مأمور به تبلیغ نمی باشد . نویسنده)

به طور مثال نبی به داکتر و طبیب ذکی و با فهمی می ماند که فقط در محل کار خود آماده معالجه مریضان است و به دنبال سایر مریضان نمی رود ولی اگر مریض به او مراجعه کند از معالجه اش دریغ نمی ورزد.

اما رسول مانند طبیبی است سیار و به همه جا می رود بدون این که منتظر مراجعه مریضان باشد خود به سراغ دیگران و اجتماع رفته و به هدایت آنها می پردازد . بدین اساس گفته می توانیم که مقام رسالت بالاتر از مقام نبوت است . (۱)

پس هر رسول نبی هست ولی هر نبی رسول نیست ، لذا مقام رسالت در بر گیرنده مقام نبوت هم می باشد و خدا نبوت را قبل از رسالت عطا فرموده است .

« خداوند پاک اول ابراهیم را به بندگی پذیرفت و سپس او را به نبوت مفتخر گردانید و بعد مقام رسالت را به او داد و بعد او را به حیث خلیل خود برگزید. «همچنان پیغمبر عالم بشریت حضرت محمد صلی الله علیه و السلام قبل از آنکه به رسالت مبعوث شود دارای مقام نبوت بودند.»

اما مقام نبوت زن در اسلام

در مورد این که زن نمی تواند به مقام رسول برسد، همه علمای اسلام متفق القول اند. ولی در مورد اینکه آیا زن می تواند مقام نبوت را داشته باشد یا خیر علماء و مفسرین جهان اسلام به سه دسته تقسیم گردیده اند :

گروه اول از علماء بر نبی بودن زن معتقد می باشند، گروه دوم از علماء با در نظر داشت اینکه دلایل قوی و مستدل ندارد نبی بودن زن را هم رد می نمایند، و دسته سوم از علماء در این بابت اصلاً ساکت اند و نمی خواهند چیزی بر زبان آورند.

مولانا حفظ الرحمن سیو هاری دانشمند شهیر جهان اسلام از جمله علمایی است که بر نبی بودن زن معتقد بوده و در این بابت تحقیقات جالبی را بعمل آورده و برخی از این تحقیقات را به زبان اردو نیز بنشر رسانیده است .

مولانا حفظ الرحمن در یکی از مقالات خویش در مورد نبی بودن زن استدلال علمای اسلام را چنین جمع‌بندی نموده، می‌نویسد:

«محمد بن اسحاق»، «شیخ ابو الحسن اشعری»، «قرطبی» و «ابن حزم» معتقد اند که زن می‌تواند نبی باشد و ابن حزم ادعا دارد که:

«حضرت ساره»، «هاجره»، «ام موسی»، «آسیه» و «مریم» علیهن السلام همگی نبی بودند. همچنین «محمد بن اسحاق» می‌فرماید:

که اکثر فقها بر این اعتقاد دارند که زن می‌تواند نبی باشد و قرطبی نیز معتقد به نبی بودن حضرت مریم است.

اما خلاف نظر این علماء «حسن بصری» رحمة الله علیه، امام الحرمین شیخ «عبد العزیز» وقاضی «عیاض» اعتقاد دارند که زن نمی‌تواند نبی باشد.

قاضی وابن کثیر می‌گویند که اکثر فقها بر این امر اعتقاد دارند. حتی «امام الحرمین» ادعای اجماع را نیز دارد.

اساس و منشاء اختلاف:

اساس و منشاء اختلاف علماء در مورد نبی بودن زن از این آیت متبرکه سر چشمه می‌گردد.

«وما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحی الیهیم» (النحل) «و قبل از تو ما نفرستادیم مگر مردانی که به سوی آنها وحی می‌فرستادیم» سر چشمه گرفته و علماء که معتقد اند که زن نمی‌تواند نبی باشد بر همین آیت استدلال می‌گردند.

ولی دسته دیگری از علماء در مورد آیت متبرکه «ما المسیح بن مریم إلا رسول قد خلت من قبله الرسل وأمه صدیقه» (مانده) «پس این مریم یک پیامبر است که قبل از او نیز پیغمبران بودند و مادر او راستگو بود» می‌فرمایند که حضرت مریم نبی نه بلکه از جمله افرادی است که مشمول نعمت الهی بوده، طوریکه در سوره نساء از آن‌ها یاد شده، که مقام و منزلت صدیقیت به مراتب کمتر و نازل تر از نبوت است.

ولی علمائی که معتقد به نبی شدن زن هستند می‌گویند از واقعاتی که قرآن کریم در باره ساره، ام موسی، حضرت مریم علیهن السلام بیان فرموده است، به وضوح دیده می‌شود که از جانب فرشته‌های خداوند بر آنها وحی نازل شده و از طرف خداوند به آنها بشارت داده شده است.

چنانچه حضرت ساره در سوره‌های هود و الذاریات، ام موسی در سوره مبارکه قصص و حضرت مریم در سوره‌های مبارک آل عمران و مریم، به واسطه ملائکه یابی واسطه آنها مورد خطاب خداوند قرار گرفته اند، اما این وحی معنی واقعی، هدایت وجدانی و اشاره مخفی را ندارد، زیرا در قرآن کریم، بر زنیور عسل نیز وحی شده است.

دلیل واضح نبی بودن حضرت مریم این است که در سوره مریم همان طور که نام سایر پیامبران ذکر شده نام او نیز آمده و در یک ردیف قرار گرفته است. مثلاً:

«واذکر فی الکتاب موسی، واذکر فی الکتاب ادریس، واذکر فی الکتاب اسماعیل، واذکر فی الکتاب ابراهیم واذکر فی الکتاب مریم» یا مثلاً می‌فرماید: «وَأرسلنا إليها روحنا» ما به طرف مریم ملائکه خود، جبرئیل را فرستادیم.

همچنین در باره صدیقه بودن حضرت مریم می گویند که اگر قرآن کریم او را صدیقه خطاب کرده این لقب به هیچ وجه مانع نبی شدن او نمی گردد. همان گونه که در نبی بودن حضرت یوسف هیچ شبهه ای وجود ندارد با آن هم قرآن کریم می فرماید: « یوسف أیها الصدیق » پس لقب هیچ ممانعتی از نبی شدن ندارد، چون نبی حتماً صدیق هم هست اما عکس این ، همیشه صادق نمی باشد. در باره این مسأله طوری که در کتاب الفصل محدث مشهور ابن محمد حزم رحمه الله آمده است ، در جای دیگر با این وضاحت و صراحت وجود ندارد.

ادامه دارد